



روزنامه سیاسی ،اقتصادی ،فرهنگی ،اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewsaper.ir-
پست الکترونیکی:
Info@sharghnewsaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول :
مهدی رحمانیان
نشانی :
تهران، خیابان آفریقا ،بلوار گلشهر ،پلاک ۴۶
تحریریه:
۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴
نمبر:
۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها :
۰۹۰۷۰۵۲۰۲۰ (خط-)
نظارت بر توزیع :
۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین-
تلفن :
۲۰-۶۶۹۷۱۱۹۹،
نمبر:
۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی ،
آلبیه و لیتوگرافی :
روزنامه شرق-
چاپ :
اگست

## راهنمای امروز

تلویزیون امروز	
سریال اولتیمو (تکرار)	پنج ۱۹/۱۰
سینمایی «مبارز»	سه ۲۰/۱۵
سینمایی «سپلداورد» (تکرار)	دو ۱۴/۰۰
چارلی و کارخانه شکلات سازی	چهار ۱۵/۳۰
سریال عکاسخانه	دو ۲۱/۵۰
سریال اتاق جنایت	پنج ۲۳/۰۰
به خانه بر می گردیم	پنج ۱۶
فیلم سینمایی	یک ۲۲/۱۵

تلویزیون فردا	
سریال وقیان شرلوک هلمز	چهار ۱۶/۰۰
سینمایی «آسو»	یک ۱۶/۲۰
سریال پای پیاده	پنج ۱۹/۰۰
سریال گنجینه معبد	سه ۲۰/۱۵
سینمایی ماجرای نیمروز	دو ۱۸/۳۰
سریال پاندورسا	دو ۲۰/۰۰
«قول» (سینما ۴)	چهار ۲۰/۳۰
آخرین بازمانده هولیکان ها	سه ۲۲/۳۰
سریال من به اضافه دشمن	یک ۲۲/۰۰
سریال پشت پرده مه	پنج ۲۳/۰۰

سینمای امروز
آتش بس (تهمیمه میلانی)
فرهنگ ، آفریقا ، ایران ۱ ، عصر جدید ۲ پارس ۱ ، گلریز ۱ ، آسیا ، بهمن ۲ ، قیام جوان ، پیروزی ، المپیا ، تهران، ۱ سپیده ، ۱ شاهد، ماندانا، پایتخت، ناهید
باغ های کندلوس (ایرج کریمی)
فرهنگ ۲ ، فلسطین ۲ ، سپیده ۲ ، ایران ۲
چند می گیری گریه کنی (شاهد احمدلو)
استقلال، جمهوری، بلوار، آستارا کارون، بهمن ۱، فردوسی، شاهد مرکزی ۱ ، دهکده، سروش، ملت، پیوند تهران ۰۲، کانون، گلریز، فلسطین ۳
هوو (علیرضا داوودنژاد)
عصر جدید، مرکزی ۳، ج ۳ سعادی، پارس ۲، شیدا
ازواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)
قدس، ایران ۳، فلسطین ۱ ، مرکزی ۲، ج ۱ جوان ۱، صحران، میلاذ، حافظ

تجسمی امروز
<b>نمایشگاه نقاشی مسعود سالمی</b>
نگارخانه شیت ۶۶۷۰۷۶۸۱
<b>نمایشگاه نقاشی مانیا اکبری</b>
گالری ماه ۲۲۰۴۵۷۸۹
<b>کارگاه نقاشی</b>
نگارخانه لاله ۸۸۴۲۱۶۵۸
<b>نمایشگاه سفال و نقاشی فوزیه بهرامی</b>
نگارخانه سریر ۸۸۰۴۲۲۸۷
<b>نمایشگاه طراحی – حجم بریک عالیخانی</b>
نگارخانه شاهد ۶۶۹۶۹۶۲۶
<b>نمایشگاه نقاشی نیلوفر قادری نژاد</b>
نگارخانه طراحان آزاد ۸۸۰۰۸۶۷۶
<b>نمایشگاه نقاشی فهیمه سکه چی</b>
نگارخانه فام ۲۲۵۹۴۸۴۰
<b>نمایشگاه عکس «زندگی در کانه»</b>
فرهنگسرای نیاوران ۲۲۹۹۹۳۳۰
<b>نمایشگاه نقاشی شهریار احمدی</b>
گالری گلستان ۲۲۴۱۵۸۹
<b>نمایشگاه نقاشی مرتضی و طاهما حدیدی</b>
نگارخانه کمال‌الدین بهزاد ۸۸۹۶۰۴۴۳
<b>نمایشگاه نقاشی گروهی</b>
نگارخانه مهرین ۸۸۲۴۰۹۴۶
<b>نمایشگاه نقاشی علیه بنییس</b>
گالری فرامرز۸۸۷۹۶۸۰۹



سال سوم ■ شماره ۷۶۳ ■ پنج‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۲۰ ربيع‌الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۸ خرداد ۲۰۰۶

# فرهنگ

## انتقاد شدید رسانه‌ها از فیلم افتتاحیه «کن ۲۰۰۶»



کن

تاامیدکننده است و خبر از شکست هنری هاوارد می دهد و اگر هم فروش هنگفتی در روزهای نخست برای «رمز داوینچی» به سبب موضوع جنجالی فیلم شکل گیرد، بعید است که استمرار یابد. به عنوان مثال استیفن شیفر منتقد روزنامه باستون هرالد در گزارشی که دیشب از کن برای نشریه‌اش فرستاد و امروز در این روزنامه به چاپ رسید، آورده است: «این فیلم اصلاً خوب از آب درنیامده است و نه تعلیق دارد و نه اقتدر حس و



## عشق شمال به راهشه…

عاشق سال‌ها پیش را. فیلم یک بازی و شخصیت خیلی بانمک هم از رضا ناجی دارد (بازگر آذری‌زبان فیلم‌های مجیدی را که یادتان هست؟) که البته وقتی بداندتغیر از بازگرمی، در داستان چه بیغماي با خودش می آورد، مو به تتان راست می‌شود! سازنده فیلم ایچ کریمی است که قبلاً دو فیلم از کنار هم می گذریم و چند تار مو را روانه اکران سینما کرده و چندین فیلم تلویزیونی و ویدئویی هم ساخته و البته منتقد و نویسنده سینمایی مهم و موثری بوده و هست و خیلی از ماها از نوشته‌ها و گفته‌هایش بسیار آموخته‌ایم. کریمی فیلمنامه باغ‌های کندلوس را با فرم خاصی که بین زمان‌های مختلف جریان دارد، خودش نوشته و مثل همیشه موضوعات اساسی و ظاهراً ازلی ابدی انسان مثل مرگ، عشق و مسیرهای پرتالطم زندگی و سرزوش آدم‌ها، مضمون‌های اصلی فیلم را تشکیل می دهند. موسیقی غم‌انگیز و شنیدنی فیلم، کار گروه کمترشناخته‌شده‌ای به اسم Hall است که یکی از اعضایش طاهما شجاع‌نوری پسر صحنه‌کننده فیلم را می شناسید. باغ‌های کندلوس یک صحنه‌حیرت‌انگیز دارد که هر وقت دیدید و بدجستمان را از فرط تاثیرپذیری بسند یا گوشه نمانکش را پاک کردید، انصاف داشته باشید و یاد این اشاره من بیفتید. صحنه‌ای است که نماز خواندن یک شخصیت را با رسیدن خبر مرگ زودهنگام او به همسر عاشقش، همزمان می‌شود! سازنده و نیایش به درگاه خدا را در کنار هم قرار نشان می دهد. تأثیرش را به این زودی‌ها از یاد نخواهید برد.



مازیار میری و وقتی همه خواب بودند فریدون حسن پور برای اولین بار با حضور در این فیلم، سینمای جدا از جریان اصلی را تجربه کرد و از قضا با هم‌راهی و ابراز علاقه هم در این پروژه حاضر شد. اما داستان فیلم فقط در بخش خاطرات گذشته به این دو جوان عاشق مربوط می شود. در زمان حاضر، سه مرد همه از دوسان قدیمی آنها بوده‌اند، بکهو به جاده کندلوس می‌زنند تا قبر دو دوستانشان را پیدا کنند؛ یعنی همان دو جوان

## تاسیس گروه تئاتر ملی ایران



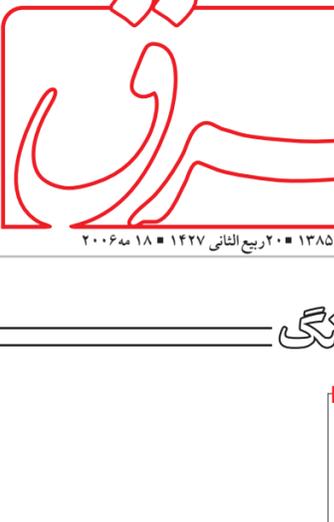
حمید سمندریان هنرمندی که سال‌ها در عرصه تئاتر به ویژه آموزش تئاتر فعال بوده است، به تازگی طرح تأسیس گروه تئاتر ملی را به مرکز هنرهای نمایشی پیشنهاد داده و قرار است پس از پذیرش طرح، این گروه در آینده‌ای نزدیک فعالیت خود را آغاز کند. گروه تئاتر ملی (تئاتر مستر) بنا است با مدیریت هنری سمندریان به عنوان بزرگ‌ترین گروه ملی تئاتر در ایران با حضور پیشکوسان تئاتر، آثار بزرگ و ماندگاری را اجرا کند. سمندران پیش از این گفته بود که برای تغییر شرایط در عرصه تئاتر و بهبود آن ابتدا باید پایه‌های یک هنر مرفهی ریخته شود و بودجه، امکانات و شرایط آن تعریف شود. او گفته بود: «ما در تئاتر کشور به صورت تک‌زبستی

## نیش قبر پدر سینمای ایران

روزنامه‌نگاری داشت و او را ادیبی تیزبین و شاعری توانا می‌شناسند. اصفهانی‌ها و دیگر مردم او را پدر سینمای ایران می‌دانند و فیلمبرداری با صدا را او با فیلم «ادختر لر» آغاز کرد. مدیر مجموعه فرهنگی تخت فولاد اصفهان در پاسخ به این پرسش که مجموعه تخت فولاد چه اقدامی درباره تخریب قبر سبستا انجام می‌دهد، گفت: با توجه به اینکه از سال ۱۳۴۶ دفن افراد در تخت فولاد ممنوع شد و دادان مالکیت تمام‌تکيه‌ها تحت فولاد به شهرداری مطرح شده است لذا برای جابه‌جایی قبر مرحوم سینبا باید این کار با مجوز مدیریت تخت فولاد انجام می‌گرفت اما این اقدام انجام نشد و ما منتظریم تا فرزند وی پس از توافق با ما مکان دفن پدر سینمای ایران را به فضای سبز یا مقبره‌ای در شأن او تبدیل کند. مدیر تخت فولاد انگیزه این اقدام را ساخت آپارتمان در محل اعلام کرده است.

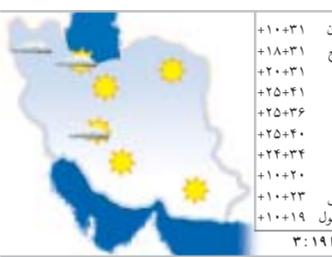


خبر روز



آبادان	۲۸+۳۵	بیرجند	۳۱+۱۸	سنندج	۳۰+۱۹	همدان	۳۱+۱۰
اراک	۲۵+۱۲	تهران	۲۷+۱۶	شهرکرد	۲۰+۱۱	یاسوج	۳۱+۱۸
اردبیل	۱۵+۸	تبریز	۲۱+۱۱	شیراز	۲۲+۲۱	یزد	۳۱+۲۰
ارومیه	۲۵+۸	خرم‌آباد	۲۱+۱۳	قزوین	۱۵+۱۱	دبی	۴۱+۲۵
اصفهان	۱۴+۱	رشت	۱۷+۱۲	کرمان	۲۰+۲۱	نجف	۳۶+۲۵
اهواز	۳۵+۲۳	زاهدان	۳۶+۲۳	کرمانشاه	۲۲+۱۱	مکه	۴۰+۲۵
ایلام	۲۸+۱۸	زنجان	۲۵+۸	کاشان	۲۸+۱۵	مدینه	۳۴+۲۴
بجنورد	۱۷+۱	زابل	۲۷+۲۱	کیش	۲۲+۲۸	لندن	۲۰+۱۰
بندرعباس	۲۵+۲	ساری	۲۰+۱۵	گرگان	۳۰+۱۶	پاریس	۲۳+۱۰
بوشهر	۳۱+۲۹	سمنان	۳۰+۱۷	مشهد	۳۱+۱۵	استانبول	۱۹+۱۰

تهران : آذان ظهر ۰۹ : ۱۲ آذان مغرب ۲۴ : ۱۹ آذان صبح ۱۹ : ۳



## …برسان سلام ما را

سیدعلی میرفتح	
<div>کرگدن نامه</div>	

قبل از پاسخگویی به نامه‌های دوستانه شما دو نکته را باید توضیح بدهم. یک، اینکه ما در این ستون فقط نامه‌هایی را پاسخ می‌دهیم که محدود شده باشد به عالم قلندران و جنس و نوع سوالات و مسئله‌هایش از جنس و نوع کرگدنی باشد که فرمود «الجنس مع الجنس، بیملوا» دو، اینکه این نامه‌های قلندری– یا کرگدنی– را نباید به همین آدرس شرق که در همین صفحه آخر درج شده بفرستید و فقط قید فرمایید که برسد به دست کرگدن، یا به عبارتی سیدعلی میرفتح.

برادر عزیزم جناب امیر مجاهدپور از تهران

مرد مومن به فکر چشم و چار این خواننده بی‌نوی نامه‌ات هم باش. این قدر ریز و تو هم و خرجتنگ قورباغه؟ بگذار این کاغذ زیر دستت نفس بکشد. چیزهایی مثل نقطه و سر پاراگراف و ویرگول و پراتنز از سر تجمل و تنوع و الکی به وجود نیامده‌اند و به معنای زوائلی نیستند که بشود به راحتی حذفشان کرد و ناپیده‌شان کرد. به روزنامه‌ها نگاه نکن که به جهت عاجله بی‌جهت خبرنگاران و نویسندگان هیچ‌کس به فکر این علامت نیست. برای اینکه مخاطب بتواند به سهولت و سادگی ملذمت منظور مکتوب شود، اول از همه باید درست و تمیز و خوش خط و خوانا بنویسی و در جای مناسب‌اش علامت دستوری را به کار ببری. بگذریم. به هر سختی و شفقتی بود، کانه سوزن که به چشم بزنی، نامه‌ات را با دقت از صدر تا ذیل خواندم و ملذمت منظورت شدم. نه عزیز من نگران نباش. این پیرمردها را که می‌بینی آب از سرشان گذشته و سال‌ها و مدت‌ها است که آرذهایشان را بیخته‌اند و الکشان را آویخته‌اند و حساب من و شما با آنها فرق دارد. اگر هرکس کار خودش را به نیکویی انجام دهد، همه چیز به خیر می‌گذرد. نیکویی یعنی اینکه تو تا می‌توانی کتاب بخوانی، من بخوانم و بنویسم و پیرمردها حرف بزنند. آدم که پسر می‌شود همه قوه زانو و دست و کمر یک‌جا در چانه متمرکز می‌شود. پیرمردها باید حرف بزنند تا این میزان سهمگین انرژی تخلیه شود. باز هم برایم نامه بنویس، ولی این بار خواناتر.

برادران مهربانم جعفر و امیر مرادپور از تهران

از لطف و مرحمتی که به این کمترین دارید ممنون. نامه‌تان را خواندم و سی‌دی‌تان را هم تماشا کردم و از اتفاق به دوستانم هم نشان دادم. کلبی که ساخته‌اید به نظر هیچ از کلبه‌های حرفه‌ای کم ندارد. تردید ندارم که یک روز هر دو شما عزیزان به کارگردانی بزرگ و پرطرفدار بدل خواهید شد. من که زیاد از مسائل فنی سر درزمنی‌آورد [البته که من باب تواضع عرض می‌کنم] اما فکر می‌کنم مشکل فعلی شما نداشتن امکانات و ادوات پیشرفته‌تر از هندی‌کم‌های خانگی است. دو چیز را توصیه می‌کنم یک خواندن بیش از حد کتاب – هر کتابی– و دیدن حساب شده فیلم‌های خوب. ضمناً برای پدزنان هم خرج نتراشید و بدهکار و شرم‌سنده بقال و سی‌دی‌فروش و کامپیوترساز و پیتزایز نکنید. منتظم‌تا کارهای بعدیتان را ببینم.

خواهر خوب و مهربانم آذین زنجی پور از تهران نگران نباش. دانشگاه پودمانی هم برای خودش دانشگاهی است. فعلاً که فرقی نمی‌کند و همه اعم از دولتی و آزاد و علمی– کاربردی و مکاتبه‌ای از یک قماش‌اند. مهم این است که جهنم آدم با دیگران فرق دیک تفاوت باشد. تا می‌توانی کتاب بخوان و آثار گرافیکی دیگران – خاصه فرنگی‌ها– را هم ببین و از روی دست آنها کپی کن. عیبی ندارد. راستش را بخواهی البته گرافست‌های حرفه‌ای مملکت هم کاری جز کپی کردن کارهای فرنگی ندارند. ضمناً به آقای کورچلانی گفتم که می‌خواهی از چهارشا میروست بسازی. البته این پرسش‌حال شد اما بعد گفت: «اگر من قرار بود مدل شوم می‌رفتم در فشن‌های پاریس و نیویورک استخدام می‌شدم.» هرچه اصرار کردم حاضر نشد پرتزه‌اش را بگیرم برای پوستر. برادر خوب و صمیمی‌ا نامر بدختیار از اراک

چه می‌کنی در اراک با این هوای دلگیر و غم‌بار. من نمی‌دانم وقتی که خداوند اراک را روی فلات ایران جامی داد چه اتفاقی افتاد که این شهر برویق پرتزری طاقری افسرده در بی‌حالی به خود گرفت. جامعه‌شناسان محترم حرف‌هایی از این جنس را به هیچ حساب نمی‌کنند و هیچ آمیزشی برای آن قائل نمی‌شوند اما بالا برود، پایین بیایید این عراق عجم دلگیر و غبارآلود است. بگذریم و سخن کوتاه کنیم تا به ارაკی‌ها برنخورند و بیبوده مرا دشمن نشوند. اما در مورد روزنامه‌نگاری. حقیقت این است که هیچ روزنامه‌نگار از طریق دانشگاه – چه دولتی، چه آزاد– روزنامه‌نگار نمی‌شود و هیچ روزنامه‌نگاری با مدرک لیسانس یا فوق‌لیسانس برای مطالبی که می‌نویسد مشتی جمع نمی‌کند. روزنامه‌نگاری و نویسندگی با هیچ حساب منی‌کنند و هیچ آمیزشی برای آن قائل قدر نتخوان بودن هم هست. عمق در معلومات قدری بفهمی نفهمی با روزنامه‌نگاری سازگار نیست. چه‌نامه‌ای نوشتی تو که من در جوابت هم ارაკی‌ها را از خود رنجاندم، هم روزنامه‌نگاران را. بازم برایم از آن گزارش‌های خوانندگی ات بفرست.

خواهرم نسیم بهرامی از رشت

از لطف و محبتت بی‌نیاهت ممنون. سلامت را به قلندران رساندم و سلام قلندران را هم متقابلاً به تو می‌رسانم. این آقای کپورچالنی مال همان کپورچال است که قبضتاً تک‌آه جبد‌الافتاده از بهشت است، روی خاک و گیلان. اما آقای کپورچالنی ما مثل حضرت آدم، سال‌ها پیش شاید به جهت گندمی که نباید می‌خورد از آن بهشت رانده شد و افتاد در دوزخ پختخت. به ساقبتن آن بهشت «برسان سلام ما را».

قربان همه شما – پاسخگو

## نفرین بر این اداها

**حسین باغچی**؛ تیر ۱۳۶۹. نیمه‌نهایی جام جهانی ۱۹۹۰. در اندان‌هایم به هم می‌خورد و اهل خانه دیگر نمی‌خندیدند و بابت این دلمشغولی‌های الکی سرزنشم می‌کردند. پناثی احقانه‌ها باجو، برزیل را قهرمان کرد و برایم وضعی بدتر از نیمه‌نهایی ۹۰ به وجود آورد. فکر کنم حوالی این دوران بود که کودکی تمام شد و شوروشوهای یک عشق فوتبال و سینما جای خودش را به اداهای روشنفکرانه داد. دیگر، فوتبال دغدغه‌توده‌ها بود و اداهای روشنفکرانه با «شوروشوهای فوتبالی» تعارض داشت. آن سال‌ها که یک فوتبال‌دوست دواشته و طرفدار دو تیم آبی‌پوش ایتالیا و استقلال تبدیل به کسی شده بود که فوتبال را از موضع بالا و حقیرانه نگاه می‌کرد، بسیار سخت و دیر گذشت. حالا چند سالی است آن اداها فراموش شده و یادآوری‌اش اعصاب آدم را خرد می‌کند، اما اثر آن اداها به جا مانده است. دیگر دست‌وپایم، هنگام تماشای بازی تیم محبوب نمی‌نخ زند و اشک‌ها روان‌شدند و گریه‌ای که تا نیمه‌های شب ادامه داشت، اسباب‌خنده اهل خانه شد. ۴ سال بعد و فینال جام جهانی ۹۴، وضع بدتری به وجود آمد.

## تاجر ونیزی روی پرده فرهنگ



برای آنان که می‌خواهند آخر هفته خود را با برنامه فرهنگی بگذرانند سینما فرهنگ یک فیلم خوب اکران کرده است. فیلم «تاجر ونیزی» ساخته «مایکل رادفورد» براساس یکی از نمایشنامه‌های «ویلیام شکسپیر» و با بازی «آل جانسون» از دیروز به روی پرده رفته است. این فیلم همه‌روزه در سانس آخر سینما فرهنگ روی پرده می‌رود. داستان فیلم «تاجر ونیزی» فردی به نام «آنتونیو» را به تصویر می‌کشد که از یک تاجر به نام «شایلاک»

مقداری پول را با تعهدات دشواری قرض می‌کند و «شایلاک» قصد دارد این تعهدات را اجرا کند. در این فیلم که محصول سال ۲۰۰۴ کشورسوئد، آمریکا، ایتالیا، لوکزامبورگ و انگلستان

دیدنی‌ها

عباس کیارستمی نویسنده و کارگردان سینما که جزء یکی از ۱۵ کارگردان پروژه فرشی ایرانی است چندی پیش فیلمبرداری فیلم کوتاه خود را در این زمینه به اتمام رساند. فیلمی که این روزها مراحل صداگذاری خود را سپری می‌کند. عباس کیارستمی در پاسخ به پرسشی مبنی بر تولید فیلم بلند سینمایی جدید گفت: ترجیح من دهم تا زمانی که فیلم کلید نخورده درباره‌اش خبری منتشر نشود. به گفته کیارستمی فیلم مستند او درباره فرشی هم‌اکنون در مرحله صداگذاری قرار گرفته است. وی ادامه داد: فیلمبرداری فیلم مستند فرشی چندی پیش به پایان رسید. کیارستمی با بیان اینکه تاکنون نامی برای فیلم مستند فرشی انتخاب نکرده گفت: مدت‌زمان فیلم کوتاه مستند فرشی حدود ۶ دقیقه خواهد بود که در حال حاضر در مراحل پایانی تولید قرار گرفته است.

■ **خطر در بیخ گوش رنگ‌های خاطره**

در پی حادثه تروریستی جاده بم- کرمان، خطر از بیخ گوش گروه فیلمبرداری فیلم رنگ‌های خاطره گذشته. به گزارش خبرنگار شرق، گروه فیلمبرداری فیلم رنگ‌های خاطره که از فروردین ماه در بم مستقر هستند، خوشبختانه به‌رغم نزدیکی لوکیشن‌های این فیلم با محل حادثه، در ساعت وقوع این جنایت، به هتل ارگ جدید برگشته بودند و به صورتی اتفاقی اعزام سینه‌موپیل و یکی از خودروهای فیلم هم که قرار بوده از این جاده صورت‌گیرد به تعویق می‌افتد و خطری اساسی از کنار این پروژه رد می‌شود.

■ **آخرین روز یک جشنواره**
جشنواره فیلم بیناراهی‌های خاص با نمایش ۱۸ فیلم در روز پنجشنبه به کار خود پایان می‌دهد. به گزارش ایسنا، فیلم‌های آ‌ی روزهای خوش (حسن‌رسنگار)، ای کاش من (گیتی محمود)، بگذاریم زندگی‌کنند (شهرزاد مظاهری)، هدیه‌های برای UN (جمشال کریم‌زاده)، بخش دیالیز (احمد ایانلو) در



سینما

کرگدن نامه